

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

۷ پلاسکو از آغاز تا پایان

مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

درس های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران

عبدالله بیچرانلو

استادیار ارتباطات دانشگاه تهران

حادثه تاثرانگیز آتش سوزی و فروریزی ساختمان پلاسکو در روز ۳۰ دی ۱۳۹۵ که منجر به جان باختن جمعی از هم وطنان، به ویژه آتش نشانان فداکاری شد، وجوه و ابعاد گوناگونی دارد که صاحب نظران حوزه های مختلف در روزهای پس از این فاجعه از منظر خود به آن پرداخته اند. از جمله می توان از زوایای گوناگون جامعه شناختی، انسان شناختی، روان شناختی، مطالعات فرهنگی، ارتباطات و روزنامه نگاری، مدیریت بحران و فاجعه، مدیریت و برنامه ریزی شهری و ... به موضوع نگریست. علاوه بر صاحب نظران، رسانه های مختلف نیز از منظر خود به میدان تحلیل و تتبع درباره این موضوع - که اکنون از سطح یک موضوع شهری فراتر رفته و به موضوعی ملی تبدیل شده است - وارد شدند. در این میان، تلویزیون که در ساعات اولیه آتش سوزی ساختمان

پلاسکو، گروهی خبری را به محل حادثه اعزام کرد و به‌طور تصادفی، تصاویر فروریزی این ساختمان را برای بینندگان پخش کرد، یکی از نادرترین رویدادهای رسانه‌ای در تاریخ رسانه‌ای ایران را رقم زد و به ثبت مستند و زنده این فاجعه پرداخت. پس از فروریزی ساختمان پلاسکو نیز گویی که تلویزیون، اولین بار به ارزش پوشش زنده و مستند چنین رویدادهایی پی برده باشد، با پخش شبانه‌روزی تصاویر آواربرداری از محل حادثه و نیز گزارش‌های زنده، گفت‌وگو با مسئولان شهری و ... تمرکزی ویژه بر این ماجرا داشت.

اما به موازات رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، فضای مجازی نیز همچون بسیاری از مواقع بروز رویدادهای کوچک و بزرگ سال‌های اخیر، به شدت پویا بوده است و بخشی عمده از تعاملات کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز به این موضوع اختصاص یافت. در واقع، رسانه‌های اجتماعی به تدریج در سال‌های اخیر به بخشی جدایی‌ناپذیر از تحولات جامعه ایران تبدیل شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک، نقش و جایگاهی مهم‌تر نیز پیدا کنند.

در جریان فاجعه پلاسکو همچون بسیاری از حوادث ریز و درشت سال‌های اخیر، یک‌بار دیگر، رقابت و چالشی اساسی بین رسانه تلویزیون و گفتمان خاص آن (مخصوصاً برنامه‌های خبری و تحلیلی) و رسانه‌های اجتماعی بروز کرد. در این رقابت، در برنامه‌های گوناگون تلویزیونی، پیوسته - به ویژه در ساعت‌ها و روزهای ابتدایی - مخاطبان به عدم توجه به بسیاری از اخبار منتشره در شبکه‌های اجتماعی در مورد این فاجعه، از جمله در مورد آمار جان‌باختگان یا دلایل وقوع این حادثه، دعوت می‌شدند؛ در حالی که در شبکه‌های اجتماعی، خطوط و جریان‌های برجسته‌تر ارتباطی به نحوی بود که ابعاد فاجعه را گسترده‌تر از بازنمایی تلویزیونی آن ارزیابی می‌کردند و فراتر از محافظه‌کاری تلویزیون، به دنبال معرفی سریع و صریح مقصران یا قاصران ماجرا



بودند. در حالی که جریان تعاملی در رسانه‌های اجتماعی به نحوی پویا، در ساعت‌ها و روزهای مختلف، حول موضوعاتی گوناگون درباره این فاجعه چرخید، اما تلویزیون، رویکردی ثابت را در قبال این موضوع در پیش گرفت؛ گویی بر اساس دستورالعمل مشخصی برای پرداختن به این موضوع عمل می‌کرد که شامل چنین مواردی بود:

- پوشش زنده محل حادثه با یک دوربین و از یک زاویه ثابت و ارتباط زنده با خبرنگار شبکه خبر در این محل، در فواصل زمانی مختلف؛
- تمرکز بر گفت‌وگو با مسئولان نهادها و سازمان‌های خدماتی مرتبط با این فاجعه؛
- ابراز هم‌دردی با خانواده‌های قربانیان در برنامه‌های مختلف؛

فرصت‌های تلویزیون (فرصت‌های از دست رفته و پیش رو)

تلویزیون، رسانه غالب نیمه دوم قرن بیستم در جهان و رسانه غالب حدود سه دهه اخیر در ایران بوده است، اما به دلیل نقاط ضعف جدی این رسانه در ایران که - به طور خلاصه - ناشی از عدم حرفه‌ای بودن حوزه خبررسانی، بسیاری از نقاط قوت، تلاش‌ها و فرصت‌های جلب مخاطب در این رسانه، اغلب تحت‌الشعاع این مسئله قرار می‌گیرد. این در حالی است که به جهت ویژگی‌های بافت اجتماعی - فرهنگی خاص ایران، تلویزیون (به معنای عام رسانه تلویزیون از جمله تلویزیون‌های ماهواره‌ای) از فرصت‌های بسیار زیادی در رقابت با دیگر رسانه‌ها برخوردار است. برجسته‌ترین فرصت تلویزیون، این است که حدود یک چهارم جمعیت ایران یا بی‌سواد یا کم‌سوادند (صرفاً سواد خواندن و نوشتن دارند) و فاقد سواد دیجیتال هستند یا سواد دیجیتال بسیار پایینی دارند؛ در نتیجه، عمدتاً مخاطب رسانه‌های صرفاً دیداری - شنیداری و غالباً دیداری (به‌ویژه تلویزیون) هستند و کاربر فعال فضای



مجازی محسوب نمی‌شوند. در فضای کمبود شیوه‌های متنوع و جذاب گذران اوقات فراغت در ایران، تماشای تلویزیون به شیوه غالب گذران اوقات فراغت در ایران تبدیل شد و در نتیجه، عادت تماشای تلویزیون، به عنوان بخشی از زندگی روزمره ایرانیان درآمد، به گونه‌ای که دستگاه تلویزیون (با همه تغییرات فناورانه‌اش) هنوز در فهرست جهیزیه دختران ایرانی، جایگاهی ویژه دارد و همچنان طراحی چیدمان پذیرایی بسیاری از منازل بر اساس محل استقرار تلویزیون صورت می‌گیرد. از این رو علی‌رغم تحولات شتابان فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، رسانه تلویزیون همچنان در ایران، از فرصت‌های جذب مخاطب بالایی برخوردار است. به‌علاوه تلویزیون با امکانات گسترده‌ای که در اختیار دارد، امکان تولید محتوا، به‌ویژه اطلاعات و اخبار به هنگام را دارد، در حالی که فعالان رسانه‌های اجتماعی، اغلب نقش توزیع‌کنندگی و واسطگی توزیع محتوا را بر عهده دارند و امکانات و توان آن‌ها در مقایسه با تلویزیون بسیار اندک است.

مسئله اساسی این است که تلویزیون از فرصت‌های در اختیارش، به‌نحوی مطلوب بهره‌نگرفته و نتوانسته است متناسب با فرصت‌هایش، سرمایه اجتماعی کسب کند. برای نمونه، نتایج پیمایش سرمایه اجتماعی کشور^۱ نشان می‌دهد، ۶/۶ درصد پاسخگویان، اعتماد به صدا و سیما را خیلی کم، ۱۶/۶ درصد کم، ۳۸/۹ درصد در حد متوسط، ۳۱/۶ درصد زیاد و ۶/۸ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

این وضعیت، به‌ویژه هنگام بروز بحران‌ها یا مسائل حاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... گاه پیامدها و خسارت‌هایی برای کشور دارد، چراکه ماهیت خاص مدیریت و مالکیت تلویزیون در ایران باعث شده، این رسانه، صدا و در عین حال سیمای نظام تلقی شود و همواره، روایت و بازنمایی تلویزیون از پدیده‌ها، موضوعات و رویدادهای گوناگون،

۱. شورای اجتماعی کشور با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴



روایت و قرائت رسمی تلقی شود و نزد اذهان عمومی، برداشتی از رویکرد نظام در قبال هر پدیده و رویدادی ایجاد کند. از این رو، هرگاه روایت و بازنمایی تلویزیون از یک موضوع، به گفتمان عمومی در جامعه، نزدیک بوده، و موفق به اقناع افکار عمومی شده، موجب نقش آفرینی مثبت آن و باعث تقویت اعتماد عمومی در جامعه شده و بر عکس، هرگاه نتوانسته در این نقش آفرینی به نحو اطمینان بخشی، نگرش ها و افکار عمومی را اقناع نماید، موجب تضعیف سرمایه اجتماعی حاکمیت شده است.

تلویزیون و مسئله مرجعیت اطلاع رسانی در بحران ها

اغلب شاهد بوده ایم که هنگام بروز بحران ها، به دلیل همان مسئله حرفه ای نبودن نظام خبررسانی تلویزیون، جامعه دچار آشفتگی های ناشی از نبود منابع معتبر اطمینان بخش شده و در چنین فضایی، رسانه شایعه، بسیار فعال شده است؛ به ویژه با توسعه بهره گیری از رسانه های اجتماعی همچون اینستاگرام و تلگرام، امکان پخش گسترده و سریع ویروس شایعه، فراهم شده است. تلویزیون در ایران، نهادی رسمی است و جایگاهی کلیدی در ایجاد امنیت در هنگام بحران ها دارد؛ بسیاری از مردم در هنگام بروز بحران، سراغ تلویزیون می روند و چنانچه تلویزیون در مواقع بحرانی نتواند به هنگام (در لحظه و پیش از رسانه های رقیب) در موقعیت مرجعیت اطلاع رسانی قرار گیرد، این فرصت را در اختیار رسانه های دیگر از جمله رسانه های اجتماعی قرار می دهد و بی تردید، در چنین وضعیتی، بازیگرانی گوناگون وارد عرصه می شوند، از جمله بازیگران ناشناخته ای که هویت جعلی دارند و خیر جمعی و منافع کلان جامعه ایران برای آن ها اهمیتی ندارد، بلکه تضعیف سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی، اولویت آن ها است.



خلاء «روزنامه‌نگاری تحقیقی» و «مستند واقعیت» در تلویزیون ایران

تلویزیون، در موقعیت‌های حساسی مانند فاجعه پلاسکو، گذشته از جنبه خبررسانی، نقش مهم دیگری را بر عهده دارد که انتظار به حق افکار عمومی از این رسانه است. انتظار این است که نه آن‌طور که تلویزیون در جریان فاجعه پلاسکو با پخش گفت‌وگوهایی دو نفره یا نهایتاً سه نفره، به برخی ابعاد فاجعه پرداخت، بلکه بر مبنای روزنامه‌نگاری تحقیقی، ابعاد گوناگون این مسئله بر اساس مستندات و اطلاعات حاصل از تحقیق و جستجوی بی‌طرفانه (حقیقت‌جویانه) و جسورانه لایه‌های گوناگون فاجعه، کاویده شود و مقصران و قاصران چنین فاجعه‌ای به مردم معرفی شوند. مردم از رسانه‌های جمعی، به‌ویژه تلویزیون انتظار حداکثر تلاش برای شفاف‌سازی - و نه در لفافه بردن - ابعاد این فاجعه را دارند. مردم، نمونه‌هایی را به خاطر ندارند که از طریق تلویزیون بر مبنای تحقیق و واریسی گسترده اسناد و مدارک و مصاحبه و دریافت اطلاعات از اطلاع‌رسانان مربوط به یک مسئله اساسی، به‌کنه آن پی برده باشند. برای نمونه در هیچ یک از پرونده‌های قضایی مشهور سال‌های اخیر چنین روندی طی نشده است. از این رو خوانش مردم از این رویه‌ها، شفاف نبودن اطلاعات در ساختارهای رسمی کشور است که این نیز منجر به کاهش سرمایه اجتماعی چنین ساختارهایی می‌شود. در حالی که اگر نظام خبررسانی تلویزیون، روزنامه‌نگاری تحقیقی را در دستور کار خود قرار دهد و به‌طور مستند، به ابعاد قضایا و بحران‌هایی مانند فاجعه پلاسکو بپردازد هم اعتبار و سرمایه اجتماعی خود را تقویت و هم به بهبود عملکردها کمک خواهد کرد.

موضوعی دیگر که در پوشش تلویزیونی آتش‌سوزی و سپس فروریزی ساختمان پلاسکو برجسته است، پخش زنده آن از تلویزیون است که بینندگان همچون خیرنگار شبکه خبر، در کمال ناباوری و غافلگیری،



شاهد مستقیم این فاجعه بودند. گرچه این اتفاق (پوشش تصویری هم‌زمان) به‌طور تصادفی و نادر رخ داد، اما برای تلویزیون، ایجاد اعتبار کرد که تصویربردار و خبرنگارش در آن دقیقه خاص در صحنه حضور داشتند. پس از آن هم – همان‌طور که اشاره شد – استقرار بی‌سابقه شبانه‌روزی دوربین شبکه خیر در محل حادثه، در ادامه همان اتفاق، قابل تفسیر است. آنچه باید توجه کرد این است که به‌طور کلی در تلویزیون کشورمان برخی ژانرها که باعث جلب مخاطب و نیز افزایش اعتماد عمومی می‌شوند، مفقودند. یکی از مهمترین این ژانرها مستند – واقعیت است، که در اشکال و صورت‌هایی گوناگون اجرا می‌شود و در اقلان افکار عمومی و نیز جذب مخاطب بسیار تاثیرگذار است. در مستند – واقعیت، دوربین یک شبکه تلویزیونی، در حالی که یک ماجرا (مانند یک آتش‌سوزی، سرقت، محاکمه قضایی، و عملیات پلیسی) در حال وقوع است به دل ماجرا وارد می‌شود که گاه این حوادث به‌طور زنده از تلویزیون پخش می‌شوند. تجربه فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران، این درس را نیز می‌تواند داشته باشد که این ژانر مهم را جدی‌تر در دستور کار خود قرار دهد.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی